

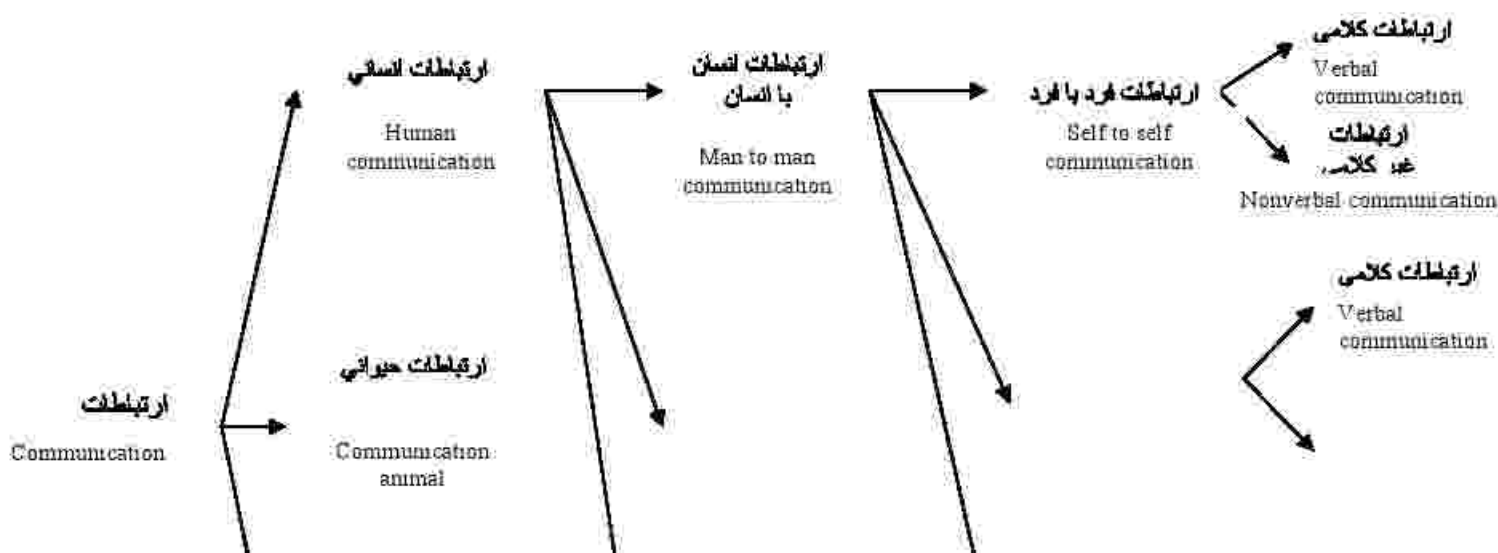
نمود زبان بدن در کنایات و ادبیات فارسی

سیده لیلا کارلی
سیده فاطمه واحدی
شیرین نانواباشی اصفهانی

ارتباط

یکی از مهم ترین و حیاتی ترین نیازهای انسان، از ابتدای خلقت تاکنون بر قراری ارتباط بوده است و چه بسا همین تعامل با جهان درون و برون است که معنای حیات را کامل می کند. از همین روست که این امر همواره مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است تا به موازات پیشرفتهای روزافزون در عرصه تکنولوژی و صنعت، روابط اجتماعی نیز روندی رو به رشد داشته باشند. این فرایند پیچیده را می توان به سادگی فرایند تولید، ارسال، دریافت و درک پیام تعریف کرد. بر اساس این تعریف برقراری ارتباط امری است که نه تنها انسان بلکه تمام موجودات را شامل می شود. مگر نه اینکه رقص زنبور های عسل بر فراز منبع شهدی که یافته اند حاوی پیامی قابل تفسیر است. اما در حوزه ی ارتباطات انسانی اهمیت و پیچیدگی این فرایند بسیار

بیشتر است. (<http://en.wikipedia.org>)



ارتباط انسان با حیوان Man-animal communication	ارتباطات گروهی Group communication	ارتباطات غیر کلامی Nonverbal communication
ارتباط انسان با ماشین Man-machine communication	ارتباطات جمعی Mass communication	ارتباطات کلامی Verbal communication
		ارتباطات غیر کلامی Nonverbal communication

ارتباط غیر کلامی

لازمه‌ی تحقق ارتباط در هر سطحی وجود یک زبان است: زبان به عنوان سیستمی متشکل از کدهایی که حامل معنایند، بدیهی‌ترین و مهمترین ابزاری که این سیستم را شکل می‌دهد و ازگانند. اما آیا تنها از طریق کلام می‌توان ارتباط حاصل کرد؟ مسلماً پاسخ این سوال منفی است. چرا که همه به خوبی می‌دانیم انسانهای اولیه نیز با کندن نقش و نگار بر دیواره‌ی غارها به دنبال راهی برای انتقال پیام و برقراری ارتباط به طرز هوشمندانه‌ای با نسل‌های آینده بوده‌اند.

بنابراین بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ارتباط را در دو بخش عمده‌ی ارتباط کلامی (Verbal communication) و ارتباط غیر کلامی (Nonverbal communication) دسته‌بندی کرد. ناگفته پیداست که ابزار اصلی نوع اول واژگان، در قالب گفتار و نوشتار می‌باشند. اما ابزار ارتباط غیر کلامی که گاه فرایندی ناخودآگاه نیز هست، کلمات نیستند.

در طی ارتباط غیر کلامی پیام‌ها را می‌توان از طریق شکل، رنگ، بو، صدا (غیر از کلام)، اعضای بدن، علامت قراردادی،... منتقل نمود. به عنوان مثال حرکات دست پلیس، راهنمایی رانندگی بر سر تقاطعی شلوغ که رانندگان را هدایت می‌کند نوعی علامت قراردادی‌اند برای ایجاد ارتباط غیر کلامی موثر.

این پیام‌ها گاه بسیار واضح و روشن و گاه پیچیده و نیازمند رمزگشایی هستند. اما آنچه بدیهی است این است که بخش عمده‌ی آنها بر اساس ملیت، فرهنگ، محیط و حتی جنسیت تفسیرهای متفاوت به خود می‌گیرد. (استاینبرگ، ۱۳۸۱، فصل ۴)

اگر ارتباط را در سه سطح کلی فردی (Intrapersonal)، بینا فردی (Interpersonal) و جمعی (Mass) در نظر بگیریم، در حوزه ی ارتباط بینا فردی، بیشترین پیام های غیر کلامی از طریق زبان بدن منتقل می شوند.

زبان بدن

به طور کلی زبان بدن به هرگونه انتقال پیام و معنا از طریق اعضای بدن و حالات آنها و بدون دخالت واژگان اطلاق می شود. این فرایند جریانی بدون وقفه از پیام ها و منبعی پایدار از نشانه هایی است که عمدتاً مربوط به احساسات و هیجانات فرد می باشند و محققان معتقدند که بیش از ۶۰ درصد درکی که افراد از تعاملات رو در رو حاصل می کنند تحت تاثیر همین ارتباط غیر کلامی است. زبان بدن و کانال هایی از قبیل نحوه ی نگاه داشتن بدن، جهت تمایل بدن، حالات چهره، حرکات بدن و نیز حالات صدای افراد، که گاه ارادی و گاه غیر ارادی می باشند، به تنهایی و یا همراه با واژگان در انتقال پیام ها و معانی دخالت دارند و تقریباً هیچ یک از این کانال های انتقال معنا تابع قرارداد های زبانی نبوده و آموختنی و فراگرفتنی نیز نمی باشند. از همین رو کودکی که از بدو تولد نابینا بوده قادر است لبخند بزند و یا اخم کند بی آنکه از پیش تصویری از این حالات داشته باشد.

اینگونه پیام های غیر کلامی می توانند مستقل از کلام (Speech Independent) و یا مربوط به کلام (Speech Related) باشند. به عنوان مثال هنگامی که در پاسخ به سوالی شانه بالا می اندازیم، بدون دخالت کلام پیامی را منتقل کرده ایم اما وقتی به چیزی که درباره اش صحبت می کنیم با حرکت دست اشاره کنیم، از زبان بدن همراه کلام و برای تکمیل آن استفاده کرده ایم. (صفوی، ۱۳۸۲، فصل ۸)

از آنجائیکه واکنش های بدن در خلال کنش های متقابلمان با سایرین از اصلی ترین ابزارهای انتقال احساسات و هیجانات هستند، حتی آن دسته از احساسات که ریشه در ناخودآگاه دارند و یا احساساتی که سعی در پنهان کردنشان داریم، کنترل و توانایی تفسیر زبان بدن اهمیت بسیاری پیدا می کند. بنابراین هر چه آگاهی و توانایی افراد در زمینه ی ارسال، تفسیر پیام های غیر کلامی بالاتر باشد، قدرت برقراری ارتباط و تاثیر گذاری آنها بیشتر خواهد بود.

نکته قابل توجهی که در ارتباط با زبان بدن مطرح است مسئله تعبیر و تفسیر آن در فرهنگها و محیطهای متفاوت است این پیامهای غیر کلامی در میان ملل و اقوام مختلف و در فرهنگها و آداب و رسومهای متفاوت معانی گوناگون و گاه متضاد به خود میگیرند. به عنوان نمونه بالا و پایین بردن سر، که در اکثر نقاط جهان نشانه ی تصدیق است در بلغارستان و بخشهایی از یونان به نشانه ی تکذیب و به معنی خیر است و یا نشان دادن انگشت شست که در آمریکا به عنوان تصدیق صورت میگیرد اما در نیجریه و استرالیا توهمین تلقی می شود. (www.hamshahrionline.ir)

به عنوان نمونه ای دیگر که به شدت تحت تاثیر فرهنگ و هنجارهای جوامع مختلف قرار دارد می توان به فاصله افراد هنگام صحبت کردن اشاره کرد. در آمریکا و ایران معمولاً دو فرد که در سطح متوسط آشنایی قرار دارند، در طول مکالمه ای کاملاً معمولی، با فاصله ای حدود ۵۰ تا ۷۰ سانت از یکدیگر قرار می گیرند. حال آنکه در انگلیس و آلمان این فاصله حدوداً دو برابر است. آشنایی با چنین هنجارهایی مهم است، چرا که در ارتباط افرادی که از این دو دسته فرهنگ متفاوت با هم تعامل خواهند داشت موثر خواهد بود. در برخورد یک فرد آمریکایی و انگلیسی، به عنوان مثال، اگر فاصله بیشتر از حد معمول در فرهنگ آمریکایی باشد، فرد آمریکایی این مسئله را محل بر بی تفاوتی طرف مقابل خواهد کرد و اگر فاصله کمتر از فاصله معمولاً در فرهنگ انگلیسی باشد، فرد انگلیسی معمولاً آن راناشی از تمایلات جنسی خواهد دانست. (صفوی، ۱۳۸۲، فصل ۸)

از عمده ترین کارکردهایی که برای زبان بدن قائل اند می توان به این موارد اشاره کرد: اعلام ارادی برای انتقال پیام های غیر کلامی و یا تأکید پیامهای کلامی (دست تکان دادن، دست دادن)، علامت غیرارادی بیانگر احساسات (پریدن رنگ به هنگام اضطراب)، علامت قراردادی (حرکات دست پلیس راهنمایی رانندگی)، زبان اشاره و مواردی دیگر. اما از آنجایی که بعضی از هنجارها و رفتارهای بدن، به ویژه رفتارهایی که طبیعی اند و نه اکتسابی، می توانند بیانگر مفاهیم کنایی باشند، بخشی از این پیام های غیر کلامی در قالب اصطلاحات و کنایات وارد زبان می شوند. (استاینبرگ، ۱۳۸۱، فصل ۴)

در حوزه ی زبان و ادبیات بسیاری از ضرب‌المثل‌ها (Proverbs)، کنایات (Metonymies) و عبارات اصطلاحی (Idioms) صورت‌های زبانی [شده] زبان بدن و زبان ایما و اشاره (Gesture) می‌باشند. که در عرصه زبان و ادبیات ملل و فرهنگهای متفاوت تداعی‌گر معانی مختلف‌اند.

کنایات مربوط به زبان بدن در ادبیات:

کنایه به معنی شیوه ی غیر مستقیم بیان از اصلی‌ترین صورخیال ادب و شعر و برجسته‌ترین ترفندهای زیبایی آفرینی است کنایه آوردن صورت ملموس یک معنی است که ابتدا این صورت را به ذهن مخاطب می‌آورد و سپس ذهن را متوجه معنای مورد نظر می‌سازد. به اعتقاد اهل بلاغت کنایه بسیار رساتر و موثرتر از تصریح منتقل کننده ی معناست و در حقیقت این معنای ظاهری است که در زیر معنای کنایی پوشیده می‌شود و همین تاثیر سخن را دو چندان می‌کند. هنگامیکه جان میلیون، شاعر پرآوازه قرن ۱۷، می‌گوید در آن هنگام که در می‌یابم چه سان فروغ من رو به خموشی می‌گذارد، پیداست که به زیبایی از قدرت بینایی از دست رفته‌اش سخن می‌گوید. (داد، ۱۳۷۸، ذیل کنایه)

از مهمترین ویژگی های کنایه، تقاشی زبانی و تصویرگری آن است، یعنی به جای آنکه از چیزی سخن بگوید قادر است آن را به تصویر بکشد سخن، قدرت تفهیم و تفهم دارد و تصویرگری می‌تواند مفاهیم را به وضوح نشان دهد، حال آنجا که کنایه این دور را در هم می‌آمیزد قدرت پیام‌رسانی در حد اعلاست.

از این روست که هر زبانی در هر کجای دنیا پر است از کنایاتی که مفاهیم را به تصویر کشیده‌اند. یکی از مهمترین این مفاهیم زبان بدن است که هنگامیکه با ترفند کنایه و در قالب کلمات، تقاشی می‌شود. در نهایت ظرافت و تاثیرگذاری معانی را منتقل می‌سازد. از آنجا که بدن و زبان آن سهل‌ترین و در عین حال مهمترین ابزار انتقال معناست، کنایات مربوط به آن کاربرد گسترده‌ای در ارتباطات انسانی بویژه ارتباطات روزمره دارند. اصطلاحاتی از قبیل پشت چشم نازک کردن، چشم به راه ماندن، لب و لوجه آویزان کردن به این پا آن پاکردن، چشم بسته کاری را انجام دادن، دست از سرکسی برداشتن، انگشت به دهان ماندن، شانه بالا انداختن، نمونه‌هایی هستند که در اولین نگاه معنای کنایی شان را در می‌یابیم. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، فصل

در عرصه ی ادبیات و شعر و در آثار برترین شاعران فارسی زبان نیز می توان نمونه هایی از کنایات مربوط به زیان بدن را مشاهده کرد. زیان بدن و ایما و اشاره در آثاری چون دیوان شمس و مثنوی و شاعرانی که به حرکت، نمایش و ارتباط فراگیر تر و بیان تصویری می اندیشند، بیشتر به چشم می خورد. شاعرانی که دریافته اند، از آنجائیکه تاثیر دیدن بیش از شنیدن است، تلفیقی از شعر و کنایات تصویری بر تاثیرگذاری هدفشان خواهد افزود:

از این روست که سعدی بر جای اینکه به سادگی از «پشیمانی و ندامت» سخن بگوید، آن رابه تصویر می کشد: (میرزا نیا، ۱۳۷۸، ذیل دست)

مکن بر کف دست نه هر چه هست که فردا به دندان بری پشت دست

او در گلستان نیز به زیبایی زیان بدن را با شعر در می آمیزد و برای اشاره به صدایی مطرب و رنج حضار می گوید: گاهی انگشت حریفان از او در گوش و گاهی بر لب که خاموش.

حافظ نیز از این ترفند به زیبایی در غزلیاتش بهره برده است و برای اشاره به برافروختگی چهره پس از میگساری اینگونه می گوید: (همان، ذیل صورت)

بیا به میکده و چهره ارخوانی کن مرو به صومعه کانجا سیاهکارانند

نه هر که چهره بر افروخت دلیر داند یا دوش می آمد و رخساره برافروخته بود

نمونه هایی از این قبیل در شعر شاعران معاصر نیز بسیارند. در شعر نادر یا اسکندر اخوان ثالث می خوانیم : (همان، ذیل شانه)

آنکه در خونش طلا بود و شرف شانه ای بالا کشاند و جام زد

در این بیت در نگاه اول اشرافی زرپرستی را می بینیم که شانه بالا می اندازد و بعد اشراف داده ای که مسئولیت نمی شناسد در ذهن نقش می بندد.

از آنجا که میان اعضای بدن بیشترین کاربرد در انتقال غیر کلامی معانی از آن سر و دستهاست، می توان نمونه هایی را که به هر کدام اشاره دارند به صورت زیر دسته بندی کرد. (همان، ذیل سر)

گاهی یک کنش بدنی (یا ایما و حرکت) می‌تواند به چند گونه، صورت‌بندی‌زبانی شود.

اصطلاح سرافکنده در این مثال‌ها با سه معنی کنایی استفاده شده است. به معنای خجالت‌زده

به کنج مکیده گریان و سرافکنده شوم چرا که شرم همی آیدم و حاصل خویش

(غزلیات حافظ)

متواضع:

بر صفت شمع سرافکنده باشی روز فرو مرده و شب زنده باشی

(مخزن الاسرار)

متفکر و اندیشمند:

شاه را آمد ز عشق او خیر پاره‌ای آنجا فرو افکن سر

(فرهنگ نوادر)

و یا سر بر آستان داشتن به معنای فرمانبرداری و در مقابل آن سر بر آسمان داشتن به معنای تکبر و سرکشی:

گفت من سر بر آستان دارم نه چو تو سر بر آسمان دارم

(گلستان)

سر بخاریدن نیز با چند معنی کنایی ظاهر می‌شود. یکی از آنها تعلل کردن است سعدی می‌گوید:

مشغول عشق جانان گر عاشقی است صادق در روز تیر باران باید که سر بخارود

و یا عاجز شدن:

پیرمردی خارکنش می‌راند خور خار وی بفتاد، وی بخارید سر

(منطق الطیر)

در جایی دیگر به معنی ناامید شدن:

گر او تا جدا دست کند سر بر آر

و گرنه سر ناامیدی بخار

(بوستان)

سعدی زرد شدن روی را نشان اضطراب و شرمساری میداند.

چرا گوید آن چیز در خفیه مرد

که گرفتاش گردد نمود روی زرد

نمونه‌های دیگری از این کنایات که حالات اعضای صورت را به تصویر کشیده‌اند از این قرارند:

صائب پشت چشم نازک کردن را برای اشاره تکبر و ناز بکار میرود (همان، ذیل چشم)

ای غزال چین چه پشت چشم نازک می‌کمی چشم ما آن چشم‌های سرمه سارا دیده است

به عنوان نمونه ابرو فراخی و ابرو گشادن را برای اشاره به گشاده‌رویی، محبت و شادمانی بکار

برده‌اند. (همان، ذیل ابرو)

دل شد در آن مجلس تنگبار

به ابرو فراخی درآمد به کار

(اقبال نامه)

شد کاروان مجلسی نو نهاد

سران را طلب کرد و ابرو گشاد

(شرفنامه)

چو خواهد کرد گردونت پیاده

سواری را بکن ابرو گشاده

(فرهنگ نوادر)

ابرو به هم درکشیدن نیز تصویری از ترش‌رویی است

حرامت بود نان آن کس چشید

که چون سفره ابرو و به هم درکشید

(بوستان)

و یا ابرو پرچین کردن به معنای دل‌تنگ و در فکر بودن

مگر شاه جهان یک روز غمگین

نشسته بود ابرو کرده پرچین

(فرهنگ نوادر)

خودنمایی را نیز با ابرو نمایاندن به تصویر کشیده‌اند:

هلالی شد تنم زین غم که با طغرای ابرویش که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان، ابرو
در شعر فارسی می‌توان نمونه‌های فراوانی یافت که در آنها به حرکات و حالات دست و انگشتان اشاره
شده است به عنوان مثال آستین برجین / چشم کشیدن را نمود دلجویی و غمخواری کردن
دانسته‌اند. (همان، ذیل آستین)

در غبار کوی غم روی ظهور گشت گم
آستینی برجین گش خاکسار خویش را
(ظهوری - مترادفات)

نیست غیر از آه غمخواری دل تنگ مرا
رشته گاهی آستین بر چشم سوزن می‌کشد
(فرهنگ صائب)

و یا آستین بر دهان داشتن که تداعی گر پوشیده خندیدن است:

آستین از شاخ گل دارند دائم بر دهن
غنچه‌ها از شرم شکرخنده ی پنهان او
(فرهنگ صائب)

پشت دست به دندان گرفتن و خائیدن و نیز دست گزیدن از جمله نمونه‌هایی هستند که تصویرگر ندامت و
پشیمانی‌اند: (همان، ذیل دندان و دست)

چون از لبث نبود مرا روی یک شکر
ای بس که پشت دست به دندان گرفته‌ام
(دیوان عطار)

هم او ز آن سخنها پشیمان شدست
ز تندی بخاید همی پشت دست
(شاهنامه)

از بس که دست می‌گنزم و آه می‌کشم
آتش زدم چو گل بر تن لخت لخت خویش
(حافظ)

همین پشت دست خائیدن را عطار برای اشاره به زشک بردن به کار برده است.

خورشید چو روی او همی بیند می گردد و پشت دست می بخاید

دندان به هم سائیدن نیزه تکرار برای اشاره به خشم بکار رفته است: (همان، ذیل دندان)

اسد به سان اسد سهمگین و خشم آلود همی بخاید بر من ز کین دل دندان

(مسعود سعد)

بسته اندم چو شیر و بر تن من چرخ دندان چو شیر می بخاید

(مسعود سعد)

از محبت نیست انجم را به هم پیوستگی چرخ می ساید ز روی خشم دندان را به هم

(فرهنگ صائب)

نمونه‌ای دیگری هم به حالات انگشتان و کنایات مربوط به آن مربوط می‌شوند. مثلاً انگشت بر جبین نهادن

برای اشاره سلام کردن: (همان، ذیل انگشت)

چرخ تعظیم مدت را مه و سال بر جبین می نهاده انگشت هلال

(زلالی - مترادفات)

و یا انگشت بر چشم نهادن به معنی قبول امر کردن

چو فرمانش مرا زد دست در پشت نهادم چون مژه بر چشم انگشت

انگشت بر دندان و دهان گذاشتن نیز حسرت خوردن، ندامت و متحیر شدن را به تصویر کشیده‌اند:

عقل در سودای او حیران بماند جان ز عجز، انگشت بر دندان بماند

(منطق الطیر)

زین ستم انگشت به دندان گزید.

گفت ستم بین که به مرغان رسید

(مخزن الاسرار)

از تجری من و آن هم‌هان

جمله را انگشت حیرت بر دهان

(گنجینه ی اسرار)

نمونه ی جالب دیگری از کنایات مربوط به حالات بدن که در شعر بکار رفته ناخن به هم زدن است که اشاره

به فتنه‌انگیزی دارد: (همان، ذیل ناخن)

تا میان بلبل و قمری شد غوغا بلند

می‌زند ناخن به هم از باد در گلزار گل

(وحشی بافقی)

می‌زند چشم تو هر لحظه به مژگان ناخن

ترسم ای شوخ میان من و تو جنگ شود

(غنی)

چو تو سوار شوی، ماه نو زنده ناخن

که در میان دو خورشید گرم سازد جنگ

(قاضی نورالدین)

نمونه‌های مطرح شده تنها گویای بخش اندکی از کاربرد گسترده ی کنایات مربوط به زبان بدن در شعر

فارسی است که آثار شاعران معاصر را نیز شامل نمی‌شود. این مبحث مجال مناسبی است برای مطالعات و

تحقیقات فراگیرتر و کامل‌تر.

منابع:

۱. میرزائی، منصور. فرهنگ نامه ی کنایه، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸).
۲. وحیدیان کامیار، تقی. نامه ی فرهنگستان، سال دوم، شماره ی چهارم، زمستان ۷۵
۳. داد، سیماد. فرهنگ اصطلاحات ادبی، (تهران، مروارید، ۱۳۷۸).
۴. محسنیان راد، مهدی. ارتباط شناسی، (تهران، سروش، ۱۳۶۹).
۵. صفوی، کوروش. معنی شناسی کاربردی، (تهران، همشهری، ۱۳۸۲).
۶. استایر گندنی. در آمدی بر روانشناسی زبان، ترجمه ی ارسلان گلغام، (تهران، سمت، ۱۳۸۱).

7. http://en.wikipedia.org/wiki/Body_language

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.